

رشد شتابنده‌ای در این زمینه صورت گرفته که صحبت از وابستگی متقابل در میان نظریه پردازان سیاسی و اقتصادی باب روز شده است و برخی سالهای پایانی و دهه پایانی قرن بیستم را عصر ارتباطات نام نهاده‌اند. جامعه‌شناسان پیوسته از تجدید ساختار زندگی انسان در اطراف فضای پیچیده در یک جهان «پست مدرن» صحبت می‌کنند. اقتصاددانان و اکولوژیست‌ها مایلند از دهکده جهانی سخن بگویند و شعار «جهانی فکر کنید، محلی عمل کنید» را تبلیغ می‌کنند. در حوزه علوم سیاسی و ستفالیایی روابط بین الملل، اغلب نظریه پردازان در جستجوی پارادایم جدیدی در تقابل با نظم سنتی و دولت-ملت هستند و به جهانگرایی یا «جهان شمولی» معتقد شده‌اند. این عده معتقدند که در سالهای پایانی دهه ۱۹۹۰ از طریق انقلاب اطلاعات و سرعت انتشار تکنولوژیهای پیچیده این جهان شمولی تحقق یافته است.^۳

این وابستگی متقابل تا اندازه زیادی ناشی از حاکم شدن ساختارهای نظام سرمایه‌داری و تحولات تکنولوژیکی-ارتباطی و انقلاب اطلاعات است. به هر حال این وابستگی متقابل در ضدیّت یا یکی از جنبه‌های مهم سنتی حاکمیت یعنی «نفوذپذیری مرزها» برخاسته و مرزها را هر چه بیشتر «نفوذپذیر» ساخته است. افراد جوامع خیلی آسان با همدیگر ارتباط برقرار و رفت و آمد می‌کنند. اخبار جهانی در عرض چند دقیقه در سطح جهان منتشر می‌شود. اخبار محرمانه و غیرمحرمانه روی شبکه ارتباطی اینترنت قرار می‌گیرد. و این مبادلات به تعبیر ژاک هو تزینگر، تضاد کلاسیک میان «سیاست داخلی و سیاست بین المللی» را در هم می‌شکند و نظریه سنتی را که بر حسب آن روابط بین المللی میان حکومتها ایجاد می‌شود، در حالی که جوامع از یکدیگر مجزا هستند باطل می‌سازد.^۲

نفوذپذیری مرزها آثار مهم و نگران کننده‌ای برای حکومتها ایجاد کرده است. مهمترین اثر آن این است که بر میزان «حساسیت» و «آسیب‌پذیری» دولت‌ها افزوده است. این دو مفهوم

بی تردید، حاکمیت یکی از عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده دولت به شمار می‌رود. بدون حق حاکمیت، دولت وجود خارجی ندارد. بر اساس آمار موجود، تعداد ۱۸۷ دولت واجد حاکمیت در کل جهان مورد شناسایی قرار گرفته است که این حاکمیت‌ها هر کدام دارای حقی برابر با یکدیگر هستند و بواسطه همین حق حاکمیت، دولت توانایی اعمال قدرت در محدوده سرزمین خود را پیدا می‌کند. اما با ظهور تحولات و شرایط جدید در روابط بین الملل این حق حاکمیت با چالش جدی روبرو شده است. دیگر یک نفر باسکی در کشور اسپانیا وضعیتی مانند ۲۰ سال پیشتر ندارد. او اکنون نه تنها شهروند اسپانیا بلکه شهروند اتحادیه اروپا به حساب می‌آید و می‌تواند با گذرنامه اتحادیه اروپا به تمام کشورهای عضو سفر کند بی آنکه یک اسپانیایی تلقی گردد.

این تحول، نمونه‌ای از تحول مفهوم حاکمیت است. در نتیجه، کنترل و نفوذ دولتمردان همانند گذشته نخواهد بود، که دولتمردان نفوذ و کنترل جدی بر محدوده سرزمینی خود داشتند. اما پرسش این است که این محدودیتها از کجا ناشی می‌شود؟ و چگونه این محدودیتها شکل گرفته است؟ در پاسخ به این پرسش اساسی می‌توان عوامل متعددی را ذکر کرد. فضای پس از جنگ سرد اجازه داد که آن دسته از اصول منشور ملل متحد که حاکمیت دولتها را با چالش روبرو می‌ساخت، به اجرا درآید. منشور ملل متحد به عنوان یک معاهده چندجانبه بین المللی محدودیت‌هایی برای حاکمیت دولتها بوجود می‌آورد.^۱ توسعه و تنوین حقوق بین الملل از دیگر مواردی است که به افزایش اختیارات سازمان ملل متحد (به عنوان نمونه، تأسیس کمیته حقوق بشر) و محدود شدن بیشتر حاکمیت دولتها انجامیده است.^۲

عامل دیگر، توسعه شبکه‌های ارتباطی، امور پستی، مخابراتی، توسعه امور رایانه‌ای بویژه ظهور شبکه جهانی اینترنت است. در سالهای اخیر چنان

تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت

محسن اسلامی

حاکمیت در اندیشه یونانی و قرون وسطایی وجود نداشت. هر چند بسیاری از خصوصیات و صفات حاکمیت در آن ادوار مورد بحث قرار می گرفت و بعدها در بحث از حاکمیت عنوان شد.^۶

مسلم است که حاکمیت در رابطه با دولت به کار می رود و یک مفهوم انتزاعی است. هر چند پیش از دوره رنسانس نه از مفهوم حاکمیت و نه از مفهوم دولت به معنای مدرن آن نشانی نبوده است ولی واقعیت این است که به علت انتزاعی بودن این مفهوم در هر دوره ای می توانیم از آن بحث کنیم. اگر حاکمیت را به معنای «مرجع عالی قانون گذاری» بدانیم طبیعتاً این مفهوم از ادوار قدیم که جوامع سیاسی یا به عرصه وجود گذاشتند حضور داشته هر چند خود این اصطلاح مورد استعمال نبوده است.

با نگاهی به فلسفه افلاطون می توان این مدعا را ثابت کرد. نظریه مثل افلاطونی که در عصر باستان و حتی قرون وسطی به شکل دیگری چیرگی داشت در ذات خود حامل جمع گرایی، اشتراک و انکار فردیت فرد بود.^۷ جمهوری خیالی افلاطون نمونه جامعه ای بر اساس جمع گرایی و سرکوب آزادیهای فردی و بر اساس رابطه محض فرمانروایی و فرمانبری بود. حاکم به نظر افلاطون یا فیلسوف است که با عالم مثل ارتباط دارد و بر زمینیان حکم می راند، یا پادشاهی است که درجات نائیت به مثل را طی کرده است.

دوره مدرن (وستفالی)

این دوره، دوره ظهور مفهوم حاکمیت به معنای رایج و مصطلح آن است. بعد از خاتمه قرون وسطی در قرن ۱۶ مفهوم حاکمیت در نظریه پردازی سیاسی رواج یافت و بعدها به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده دولت ها جایگاه مهمی یافت.

برای نخستین بار ژان بَدِن (۱۵۹۶-۱۵۳۰) فرانسوی در کتاب مشهور خود «Six Books of Common Wealth» در سال ۱۵۷۶ این نظریه را تبیین نمود. نظریه بَدِن از جمله نمونه های برجسته ای است که دوران جدید

در هر بُعد داخلی و بین المللی صدق می کند. در بُعد داخلی مقصود، نحوه ارتباط حکومتها با مردم و اتباع خود است که حساسیت و میزان آسیب پذیری حکومتها را افزایش داده است. از نتایج مهم نفوذپذیری مرزها در این بُعد آن است که ممکن است همراه با وارد شدن افراد و گروهها به داخل یا بدون آن افکار برون مرزی همراه با رسانه های ارتباطی وارد کشورها شود و گروههایی را بر حاکمیت ها بشوراند. با توجه به موضع گیریهای شدید برخی دولتها نسبت به گسترش وسایل ارتباطی، اهمیت این حساسیت و میزان آسیب پذیری در داخل را می توان به آسانی درک کرد.

در بُعد بین المللی این دو مفهوم اهمیت ویژه ای داشته و با وجود مزایایی که در برخی جهات دارد حتی بر میزان نگرانی پیشرفته ترین دولت ها نسبت به محدودیت و خدشه دار شدن حاکمیت ملی شان افزوده است. این نگرانی بیشتر در وابستگی های اقتصادی مشاهده می شود. از سوی دیگر وابستگی متقابل جنبه مهم دیگری از حاکمیت یعنی کنترل بر مناطق و سرزمینهای تحت حاکمیت را هم با محدودیتهای بیشتری مواجه ساخته است.

در این نوشته در پی آیم که در پرتو تکنولوژی اطلاعات به تأثیرات این صنعت در به هم وابسته ساختن حاکمیت ها و محدود کردن حاکمیت ها در عصر جدید بپردازیم. در این راستا بیشترین توجه را به عنصر اینترنت به عنوان یکی از مظاهر مهم تکنولوژی اطلاعات داشته ایم.

مفهوم حاکمیت

دوره قدیم (از یونان باستان تا وستفالی)

اگرچه حاکمیت را با «ژان بَدِن» فرانسوی می شناسند، اما در اندیشه قدما نیز این اصل رایج بوده است. در نوشته های ارسطو از «قدرت برتر دولت» سخن به میان آمده است.^۵ البته برخی نیز در این که مفهوم حاکمیت پیش از قرون ۱۵ و ۱۶ رایج بوده است تردید دارند. وینسنت می گوید

○ اگر حاکمیت را به معنای «مرجع عالی قانون گذاری» بدانیم این مفهوم از ادوار قدیم که جوامع سیاسی یا به عرصه وجود گذاشتند حضور داشته هر چند اصطلاح آن مورد استعمال نبوده است.

شد. عمده کشورهای اروپایی در ساختار سیاسی حکومتی خود تغییراتی هرچند جزئی ایجاد نمودند بدین صورت که در برخی از این کشورها قانون اساسی نوشته شد و مجلس و پارلمان به وجود آمد؛ نظام تفکیک قوا پایهریزی شد و حکومت مشروطه سر کار آمد. متعاقب این تغییر و تحولات حاکمیت هم تغییر شکل داد و به قوای مختلف تقسیم شد. در عرصه بین‌المللی نیز با گسترش حقوق بین‌الملل و همکاری دولتها و ایجاد نهادهای بین‌المللی بویژه در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ از استقلال بی‌حد و حصر دولتها در امور خارجی کاسته شد.

با این همه، واقعیت این است که حاکمیت طی سه قرن و نیم مبتنی بر نظم و ستفالیایی چه به شکل پادشاهی و چه به شکل ملی و مردمی بوده است و تغییراتی هم که به خود دیده در قالب این نظم و جزئی بوده و هرگز اساسی و ماهوی نبوده است. تغییر شکل حکومت از پادشاهی و سلطنتی به حکومت مشروطه یا ملی، و متعاقب آن تحویل حاکمیت پادشاه به حاکمیت ملت یا حاکمیت ملی، تغییر در جوهر آن ایجاد نکرد.

جالب توجه این که نظریه حاکمیت مطلق، از لحاظ حقوقی در قرون ۱۹ شکوفا شد و نتایج مهمی به بار آورد. این دکتترین در مسیر اثبات خصلت مطلق گرایانه و نامحدود حاکمیت دولت‌های ملی به پیش رفت با این تفاوت که دیگر حاکمیت به شهریار و سلطان محدود نبود. مفهوم فراگیر و گسترده دولت ملی جانشین مفهوم رئیس حکومت شد و این نیز سرانجام منجر به مطلق‌گرایی در حکومت و پذیرش رژیم‌های استبدادی و خودکامه و توتالیتر گردید.^{۱۱}

در نیمه سده بیستم منشور ملل متحد گذشته از آن که باعث افزایش شمار دولت‌های ملی به میزان قابل توجهی در سطح جهان شد، بر حق حاکمیت این دولت‌ها تأکید کرد و آن را جز در موارد مصرح در فصل هفتم غیر قابل نقض دانست. این سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت همه اعضای خود تشکیل شده است. در بند ۴ ماده ۲ منشور آمده است همه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید

نظریات سیاسی با آن آغاز می‌شود.^۸ از نظر بدن حاکمیت عبارت بود از قدرت عالی و نهایی دولت بر اتباع و دارایی آنها که به وسیله قوانین موضوعه محدود نمی‌شود و مطلق و دائمی است.^۹

بعد از ژان بدن، متفکر هلندی گروسیوس و سپس متفکران انگلیسی چون توماس هابز، جان لاک و جان آستین در صدد توضیح و تبیین مفهوم حاکمیت برآمدند. جرج ویلهلم فردریش هگل آلمانی نیز این مفهوم را توسعه داد.^{۱۰}

همزمانی کاربرد مفهوم حاکمیت با کاربرد مفهوم دولت، این نکته را یادآور می‌شود که این نظریه پردازان با عنوان کردن حاکمیت به صورت عنصری از عناصر تشکیل دهنده دولت، صفحه جدیدی را در تاریخ نظامهای سیاسی رقم زدند. در این دوره است که مفهوم حاکمیت به عنوان یکی از ویژگیهای دولت مدرن به کار برده می‌شود. نقطه اشتراک نظریه پردازان در خصوص مفهوم حاکمیت، تبیین حاکمیت به عنوان یک اصل مطلق و انحصاری است. توماس هابز در لویتان به هنگام بحث از ویژگی‌های حاکمیت، آن را مطلق می‌داند.

او به حاکم در همه موارد حق می‌دهد، مگر مواردی که وی آن را ناقض «غایت حق سپرده شده» می‌داند و تنها در این مورد به مردم حق طغیان می‌دهد. طبق نظر هابز، عقد قانونی که میان فرمانروا و اتباع او بسته شده دیگر نسخ شدنی نیست و این بدان معنی است که مردم از حقوق خود گذشته‌اند و دیگر اراده‌ای ندارند. اراده اجتماعی در وجود فرمانروای حکومت عین شده است. این اراده نامحدود است و بالاتر از فرمانروای مطلق یا در کنار او قدرت دیگری وجود ندارد. جان لاک در بسط نظریه حاکمیت به نکته جدیدی اشاره می‌کند و آن اینکه حاکمیت مطلق نیست بلکه مردم حق دارند که اگر حکومت در تأمین اهداف غایی مردم ناتوان بود، حق خود را که تسلیم کرده‌اند از حکومت سلب نمایند. از سوی دیگر، در عرصه عمل نیز در این دوره بتدریج در شکل و مفهوم حاکمیت تغییراتی پدید آمد. بدین صورت که حاکمیت از شکل پادشاهی و سلطنتی خارج شد و در قرون ۱۸ و ۱۹ بویژه با انقلاب فرانسه و آمریکا به مردم نسبت داده

○ جان لاک در بحث از حاکمیت، آن را مطلق نمی‌داند بلکه معتقد است مردم می‌توانند اگر حکومت از تأمین اهداف غایی آنان ناتوان باشد حق خود را که تسلیم کرده‌اند از حکومت سلب کنند.

○ هر چند هنوز حاکمیت وستفالیایی کاربرد دارد ولی در سالهای اخیر با چالشهای جدی مواجه شده است که یکی از این عوامل چالش‌زا، مقوله تکنولوژی و انقلاط اطلاعات است.

مدرن با چالش جدی روبرو شده است. برخی پست مدرنیته را با فرارفتن از حاکمیت مترادف می‌دانند. برخی تا آنجا پیش می‌روند که فراروی خود یک نظام سیاسی جهانی می‌بینند که در آن دولت‌ها، چنانچه وجود داشته باشند، مطیع و تابع اجتماعی جهانی خواهند بود و دیگر واحدهای مستقل و بازیگران یگانه تازی نخواهند بود. دیگر محققان به عقب نشینی از حاکمیت در رويه‌های اخلاقی سیاست جهان معتقدند و از فضایی بشر دوستانه نام می‌برند. این فضا بوسیله مقبولیت افزایش یافته مداخله بشر دوستانه و بحث از حقوق بشر به مثابه یک معیار راهبردی بین‌المللی روشن تر می‌شود. حتی برخی دیگر به یک سیستم تدبیر جهانی در حال ظهور باور دارند که در آن دولت حاکم ضمن این که موجودیت دارد، ولی تابع اخلاق مدنی جهانی است که حاکمیت دولتمداران را کاهش می‌دهد. در این بینش، هنجارهای اجتماعی بشری در قلمروهای معینی بر هنجارهای حاکمیت چیره می‌گردد.^{۱۲}

برخی دیگر، به شیوه‌های جایگزینی فکر می‌کنند که یکی از آنها فدراسیون جهانی است که در آن جهان اقتصاد قدرت فائده دولت‌ها را به تحلیل می‌برد. یک تصویر دیگر از یک جهان پسا حاکمیت، تصویری از یک سازمان سیاسی است که در مسیحیت غربی در قرون وسطی وجود داشت: تصویری یک قرون وسطای جدید که در آن، سیاست جهانی در به هم آمیختگی سه سطح جهانی، محلی و فراملی متجلی می‌شود که در آن نیروهای اجتماعی به فضای سرزمینی نفوذ و نشر می‌کنند و در برخی موارد آن را به ناپودی می‌کشاند.^{۱۵}

به هر حال آنچه در دوره نظم فرا وستفالیایا مسلم است این است که هیچ نقطه اشتراک و اجماعی در مورد مفهوم جدید حاکمیت وجود ندارد. اما آنچه می‌توان از آن به عنوان یک اصل یاد کرد این است که دیگر مفهوم حاکمیت وستفالیایی بدن و هابز مد نظر نخواهد بود و حاکمیت دوره وستفالیایی هر چند هنوز نیز کاربرد خود را حفظ نموده ولیکن در سالهای اخیر با چالش‌های جدی مواجه شده است. یکی از این عوامل چالش‌زا مقوله تکنولوژی

به زور و به کارگیری زور بر ضد تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مباینست داشته باشد خودداری خواهند نمود.

در بند ۷ همین ماده نیز آمده است که هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌سازد که در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی کشورهاست دخالت نمایند و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را برای حل و فصل تابع مقررات این منشور قرار دهند. ولی این اصل به اعمال قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم منشور لظمه‌ای وارد نخواهد کرد.^{۱۲}

پس سازمان ملل متحد با تحت فاعده در آوردن اصول مربوط به حاکمیت و تعیین حدود آن نسبت به سابق، محدودیتهایی بر آن وارد می‌کند. در خارج از سازمان ملل نیز در قرن بیستم (تادهه ۱۹۹۰) محدودیتهایی بر حاکمیت دولتها وارد می‌شود ولی این محدودیت‌ها همان گونه که گفتیم اساسی نبوده است.

حاکمیت در نظم فرا وستفالیایا

می‌توان گفت که تنها چالش جدی در برابر مفهوم حاکمیت دولت‌های ملی به دهه پایانی قرن بیستم باز می‌گردد: از یک سو، پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی و از سوی دیگر طبیعت ظهور جهان جدیدی متشکل از افراد و سازمانهای متعدد که به مدد تکنولوژی مدرن، بطور واقعی یا مجازی در اکناف کره زمین از قید و بند حاکمیت‌ها آزادند. تغییر و تحولات ناشی از وابستگی متقابل موجب آن گردید که نظام فرا وستفالیایی مورد توجه قرار گیرد و ذهن نظریه پردازان علوم سیاسی را به خود مشغول سازد. رابرت جکسون معتقد است که حاکمیت در قرون ۱۶ و ۱۷ (صلح وستفالیایا) متولد شد و در سه چهارم قرن اخیر ادامه حیات یافت و اکنون (دوران فرا وستفالیایا) همانند بسیاری دیگر از مسائل اساسی سیاسی مورد بحث قرار گرفته و ممکن است تغییرات اساسی بپذیرد.^{۱۳}

حاکمیت به عنوان یکی از ویژگیهای دولت

رایانه‌ای و انتقال اطلاعات رایانمند از طریق آن بواسطهٔ مودم (برای تبدیل پیامهای دیجیتال رایانه به شکل آنالوگ و انتقال آن از طریق سیستمهای تلفن) و در نتیجه انتقال داده‌ها به صورت شبکه موجب آن شد که انتقال بسیار سریع اطلاعات یکپارچهٔ شنیداری و نوشتاری، داده‌ای و تصویری امکان‌پذیر گردد.

شایان ذکر است که تکنولوژی اطلاعات، صنعتی نیست که به قلعهٔ اوج خود رسیده باشد، بلکه برعکس، در حال افزودن بر کارایی خود است و هر روز منسجم‌تر می‌شود. تردیدی نیست با نوآوری‌هایی که آشکارا کاربردهای متعدد، مختلف و غیرقابل پیش‌بینی دارند، این تکنولوژی جهش بزرگی به پیش خواهد داشت. علت پیش‌بینی ناپذیری این کاربردها این است که محرک اصلی نوآوریها، رشد مستمر توقعات و خواسته‌های مصرف‌کنندگان است، ولی بی‌تردید داوری بازار به تنهایی نمی‌تواند کاربردهای تکنولوژی اطلاعات در اقتصاد و جامعه را تضمین کند یا دامنهٔ تغییرات ناگهانی احتمالی در هر دو سطح ملی و بین‌المللی را محدود سازد.^{۱۷}

در پایان دههٔ ۱۹۷۰ تکنولوژی اطلاعات

اطلاعات و انقلاب اطلاعات است. در بخش بعد خواهیم کوشید با نگاهی اجمالی به مقولهٔ تکنولوژی اطلاعات، تأثیرات آن را در تحدید حاکمیت و ستفالیایی مورد بررسی قرار دهیم؛ حاکمیتی که دارای چهار ویژگی تفوق، مصونیت، تقسیم‌ناپذیری و غیرقابل واگذاری بودن است.

تکنولوژی اطلاعات

تکنولوژی اطلاعات را می‌توان نقطهٔ همگرایی الکترونیک، پردازش داده‌ها و ارتباطات دوربرد دانست. این همگرایی دو جنبه دارد. نخست از میان رفتن فاصله‌ها و در نتیجه قرار گرفتن رایانه‌های سابقاً متزوی از هم در یک شبکهٔ گستردهٔ جهانی، و دوم رایانمند شدن سیستمهای ارتباطات دوربرد که موجب ایجاد ظرفیتهای جدیدی برای انتقال صدا و تصویر می‌شود.^{۱۶}

اختراع تلگراف در بیش از ۱۵۰ سال پیش، اختراع تلفن در دههٔ ۱۸۷۰ میلادی، اختراع تکنولوژی انتشار امواج (broadcast technology) و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در دههٔ ۱۹۲۰، ابداع و رواج سیستمهای سویچینگ و گسترش انتقال امواج با باند پهن، ایجاد شبکه‌های

○ امروزه هر کس می‌تواند برای اعمال نفوذ بر سیاستهای دولت يك شبکهٔ اطلاعات در سطح محلی ایجاد کند. در نتیجه، کنترل و نفوذ دولتها در این عرصه روز به روز محدودتر می‌شود.

جدول ۱: تحول صنعت تکنولوژی اطلاعات (۲۰۱۵-۱۹۶۴)

محوریت سیستم‌ها	محوریت کامپیوترهای شخصی	محوریت شبکه	محوریت محتوی
۱۹۶۴-۱۹۸۱	۱۹۸۱-۱۹۹۴	۱۹۹۴-۲۰۰۵	۲۰۰۵-۲۰۱۵
صنعتی	حرفه‌ای	مصرف‌کننده	افراد
ترازیستور	پردازشگر مایکرو	ارتباطات باند پهن	نرم‌افزار
قانون گروش (Grosch)	قانون مور (Moore)	قانون مت کالف (Metcalfe)	قانون تغییر و انتقال (Transformation)
سیستم‌های اختصاصی	محصولات استاندارد	خدمات دارای ارزش افزوده	خدمات
مستقیم	غیر مستقیم	روی شبکه	مورد توجه مصرف‌کننده
مرکز اطلاعات	شبکه‌های داخلی	شبکه‌های عمومی	شفافیت
میزان کارآمدی	سودآوری	خدمات برای مصرف‌کننده	مجاز کردن
یکپارچگی عمومی	زنجیرهٔ ارزشی افقی کامپیوتری	زنجیرهٔ کامپیوتری و ارتباطات واحد	محمط شده
سیستم‌های آمریکا	اجزای تشکیل‌دهنده آمریکا	چرخنده‌های ملی	تأمین کنندگان محتوی
۱۰ میلیون دلار	۱۰۰ میلیون دلار	یک میلیارد دلار	جهانی
۲۰ میلیون دلار	۴۶۰ میلیارد دلار	۳ تریلیون دلار	مستربه میزان بالا تا حدی که اندازه‌گیری ممکن نیست

منبع: international Data Corporation به نقل از

Kevin Hill & John Hughes, Cyberpolitics: Citizen

Activism in the Age of the internet, Mary land, Rowman & Littlefield Inc, 1998, p. x.

○ در مورد تلفن ۷۵ سال و در مورد تلویزیون ۱۲ سال طول کشید تا ۵۰ میلیون کاربر پیدا کنند ولی در مورد اینترنت تنها ۵ سال طول کشید تا ۵۰ میلیون نفر از آن استفاده کنند.

این شبکه دو کارکرد مهم دارد. نخست به مفهوم گروه تحقیق بعدی جهانی می‌بخشد. به کمک این شبکه، پژوهشگران می‌توانند بدون آنکه لازم باشد در مکان واحدی گرد آیند به همکاری، مبادله آرا و نتایج و حتی انجام دادن آزمایشها یا شبیه‌سازیهای مشترک بپردازند. دوم، اینترنت متنوع‌ترین منابع اطلاعات را در دسترس مراجعه‌کنندگان قرار می‌دهد. همین حالا این شبکه به شبکه‌ای جهان‌گستر (World Wide Web) تبدیل شده است. این شبکه جهان‌گستر هزاران خدمتگزار شبکه ایجاد شده به وسیله شرکتها، خدمات، دانشگاه‌ها، گروههای نفوذ عمومی یا حتی افراد خصوصی را به هم مرتبط می‌سازد. این خدمتگزاران، دسترسی به انواع اطلاعات، نوشته، عکس، تصاویر متحرک و صدا را به رایگان یا با هزینه‌ای ناچیز امکان‌پذیر می‌سازند. به کمک نرم‌افزارهای بسیار مؤثری که استفاده از آنها برای مصرف‌کنندگان آسان است سفر بر روی این شبکه هیچ گونه دشواری عمده‌ای نخواهد داشت.^{۲۰}

کلید موفقیت اینترنت این است که در واقع تنها شبکه جهانی است که دسترسی به آن به راحتی امکان‌پذیر است؛ پدیده‌ای که از آسیا گرفته تا آمریکا و از آمریکای لاتین تا آفریقای محروم را تحت پوشش خود قرار داده است.

از همان زمان که رسانه‌های چاپی شکل گرفت حاکمیت‌ها سعی کردند نظم و قاعده‌ای برای مهار آن ایجاد کنند. کنترل جریان اطلاعات به عنوان یک دلمشغولی و نگرانی اولیه در منازعات سیاسی و نظامی همواره مورد توجه حاکمیت‌ها بوده است. برای نمونه، در طول جنگ سرد غربیها به ارسال برنامه‌های رادیویی از آلمان غربی به آلمان شرقی و همین‌طور از هنگ کنگ به چین دست زدند. اما عناصر تکنولوژی قدیمی همچون رادیو و تلویزیون متمرکز و وابسته به فرکانس‌ها بود و لذا دولت‌ها می‌توانستند با پرداخت هزینه‌هایی برای ارسال پرازیت کنترل خود را مصون نگه دارند. اما پدیده اینترنت از این کنترل مستثنی است. امروزه هر کس می‌تواند برای خودش یک شبکه اطلاعات در سطح محلی برای اعمال نفوذ بر سیاستهای

امیدهای بزرگ و نیز تشویشهای چشمگیری برانگیخت. عمده‌تأ تکنولوژی اطلاعات را کلید رقابت‌پذیری آینده کشورها می‌دانستند. تصوّراتی که در مورد نقش راهبردی این تکنولوژی وجود داشت، در بسیاری از کشورها سبب به راه افتادن برنامه‌های خاص ملی و بین‌المللی برای حمایت از صنعت تکنولوژی اطلاعات، تشویق تحقیق و توسعه و ترویج آموزشهای نظری و کاربردی شد. در واکنش به برنامه ساخت نسل پنجم رایانه‌های ژاپنی در دهه ۱۹۸۰ شاهد به جریان افتادن برنامه «آلوی» در انگلیس، برنامه شبکه الکترونیکی در فرانسه، برنامه‌های مختلفی در ایالات متحده که بانی مستقیم یا غیرمستقیم آنها وزارت دفاع این کشور بود، برنامه‌های هلند، سوئد و نروژ و تلاشهای عظیم جامعه اروپا همچون طرحهای اسپریت (Esprit) و یوره‌کا (Bureka) بودیم.^{۱۸}

برای تبیین و توضیح فرایند تحول تکنولوژی اطلاعات، جدول ۱ می‌تواند منبع جامعی باشد. در این جدول به حاکمیت سیستم‌های متفاوت در سالهای مختلف از مبدأ پیدایش این تکنولوژی اشاره شده و تحولات آینده آن نیز بازگو شده است. اما در این منظر آنچه توجه ما را بیش از همه به خود جلب کرده است پدیده اینترنت است؛ پدیده‌ای که جامع تمام معلومات بشری است. نیم قرن پیش نویسنده آرژانتینی لویس برجس دو داستان کوتاه به نگارش در آورد^{۱۹} که در آنها از یک کتابخانه نامحدود و یک مکان خارق‌العاده که در آن همه چیز یافت می‌شد، صحبت شده بود. پدیده اینترنت توانسته است رؤیاهای این رمان‌نویس را بر آورده سازد و تحوّل شگرف در امور ارتباطات به وجود آورد.

تشکیل شبکه اینترنت نتیجه ابتکاری از سوی وزارت دفاع ایالات متحده بود. این وزارتخانه شبکه‌ای از ارتباطات پیشرفته را در دسترس پژوهشگرانی قرار داد که طرف قرارداد پنتاگون بودند. این شبکه از طریق بنیاد ملی علوم (NSF) به فعالیتهای غیرنظامی نیز تعمیم یافت و خیلی زود مورد توجه کل جامعه علمی ایالات متحده قرار گرفت.

دولت ایجاد کند. در نتیجه کنترل و نفوذ دولت‌ها در این عرصه روز به روز محدودتر می‌شود.

توزیع اطلاعات و سرعت آن تحولی است که اینترنت ایجاد نموده است. با نگاهی به تاریخچه عناصر قدیمی تکنولوژی همچون تلویزیون، رادیو، تلفن درمی‌یابیم که ۱۲ سال طول کشید تا تلویزیون ۵۰ میلیون استفاده‌کننده برای خود فراهم کند. در مورد تلفن این جریان ۷۵ سال به درازا کشید تا ۵۰ میلیون کاربر از تلفن استفاده کردند. اما در خصوص اینترنت تنها ۵ سال طول کشید تا ۵۰ میلیون کاربر اینترنتی به‌وجود آیند. بنابراین نه تنها اینترنت یک تکنولوژی ارتباطی است که بر دیگر تکنولوژیها غلبه دارد بلکه نوعی دانش است که تلاش دولت‌ها برای کنترل و نفوذ آن بی‌تأثیر است.^{۲۱}

توسعه اینترنت مانند تکوین الفبا یک حرکت تاریخی است و این تکنولوژی بر دیگر تکنولوژیها و نیز بر اندیشه‌ها تأثیر گذاشته است. در ضمن اینترنت موجب فضایی مجازی نیز بوده است؛ فضایی که در آن بسیاری با هم صحبت می‌کنند، بحث می‌کنند، عقاید سیاسی، مذهبی، اجتماعی... یکدیگر را به چالش می‌کشانند و از یکدیگر مطلع می‌شوند. زمانی آیزایا برلین می‌گفت: جامعه نباید به دنبال کسب موافقت یکدیگر باشد بلکه بهتر است همدیگر را درک کند. دنیای ساخته شده توسط اینترنت توانسته است این سخن آیزایا برلین را به واقعیت برساند و با ظهور یک دنیای جدید شرایط تازه‌ای به‌وجود آورد؛ شرایطی که در آن حاکمیت‌ها نیز به چالش کشیده خواهند شد. سالنامه صنعت کامپیوتر در سال ۱۹۹۹ تخمین زد که در هزاره جدید شمار کاربری‌های اینترنت به ۴۹۰ میلیون نفر خواهد رسید. این رشد چشمگیر اینترنت می‌تواند به‌عنوان شرایط جدید و منحصر به فرد در عرصه سیاست مورد توجه قرار گیرد و به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر سیاست داخلی و خارجی دولت‌ها به‌حساب آید.

تأثیر اینترنت به اندازه‌ای جدی است که چریک‌های زاپاتیست مکزیک این شعار پر محتوای

سر داده‌اند: «قدرت نت از شمشیر بیشتر است». در سال ۱۹۹۵ میلادی رئیس‌جمهور مکزیک «ارنستوز دیلو» اعلام کرد که ارتش مکزیک به‌زودی تهاجم خود را برای دستگیری رهبر چریک‌های زاپاتیست «مارکوس رافائل سباستین گیولن» آغاز خواهد کرد. درست پس از چند ساعت، فرمان رئیس‌جمهور، از طریق کامپیوترهای همراه زاپاتیست‌ها روی شبکه اینترنت قرار گرفت. چند ساعت پس از این اقدام، هزاران نمابر به دفتر ریاست جمهوری ارسال شد که همگی مخالفت خود را با این اقدام رئیس‌جمهور اعلام کرده بودند. و در نهایت دولت مجبور شد دستور لغو عملیات را صادر نماید. این نمونه مبین تأثیر جدی اینترنت در تصمیمات حاکمیت‌هاست.^{۲۲}

به‌طور کلی اهمیت اینترنت به حدی است که امید می‌رود نهایتاً به یک زیرساخت اطلاعات جهانی (GII) تکامل یابد که قادر باشد در مقوله‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مانند حذف مرزهای جغرافیایی، ایجاد تفکرات واحد، تعمیم فرهنگ خاص... نقش فعالی ایفا کند.

اگرچه هم‌اکنون در خاورمیانه و آفریقا مناطقی را مشاهده می‌کنیم که از دسترسی به اینترنت محروم‌اند اما اقدامات ایالات متحده موجبات تسریع در اتصال این مناطق به شبکه اینترنت را فراهم نموده است. پروژه لاند (Leland Project) یا (USAID) از این سری اقدامات است که در راستای فراهم نمودن تسهیلات و امکانات و تجهیزات لازم در قاره آفریقا به کار گرفته شده است.^{۲۳}

البته مواعی نیز در این راستا وجود دارد. ولی با توجه به ماهیت تکنولوژی اطلاعات و سرعت شگرف به‌کارگیری آن توسط کشورهای مختلف و نیز به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های توسعه کشورهای مختلف، این مواعی بر طرف خواهد شد. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- دو سوم کاربران اینترنت در آمریکا و کانادا استقرار یافته‌اند؛^{۲۴} ۲- آسیای جنوبی که ۲۳ درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده تنها یک درصد از

○ تأثیر اینترنت به اندازه‌ای جدی است که چریک‌های زاپاتیست مکزیک شعارشان این است: «قدرت نت از شمشیر بیشتر است».

کاربرهای اینترنت را به خود اختصاص داده است.^{۲۵} ۳- دوازده درصد جمعیت جهان در آفریقا قرار دارند.^{۲۶} ۴- بیش از ۹۷ درصد از میزبان‌های اینترنت در کشورهای توسعه‌یافته استقرار یافته‌اند در حالی که این کشورها تنها ۱۶ درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند.^{۲۷} البته از سوی دیگر، طبق نظر بانک جهانی تکنولوژی اطلاعات رابطه مستقیمی با رشد سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) دارد و لذا می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گیرد. هند از همین طریق توانسته است رشد سرمایه‌گذاری خارجی را در کشور خود گسترش دهد. گسترش مراکز متعدد پردازش اطلاعات که از ایستگاه‌های زمینی ماهواره‌ای استفاده می‌کنند از جمله این اقدامات است. نصب و تجهیز امکانات در حوالی بنگلور در ایالات آندراپرادش از نمونه‌های عملی توسعه تکنولوژی اطلاعات است که رابطه مستقیم با رشد سرمایه‌گذاری خارجی داشته است.^{۲۸}

تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت دولتها

مایکل اونیل در تأثیرات تکنولوژی اطلاعات می‌نویسد: انقلاب اطلاعات فروپاشی نظم‌های کهن را تسریع کرده، سرعت دگرگونی اجتماعی و سیاسی را دوچندان ساخته، توده‌هایی آگاه و از لحاظ سیاسی فعال آفریده و به دلیل آشکار ساختن اختلافات موجود میان مردمان و ملت‌ها، محرک برخورد و ستیز گردیده است.^{۲۹} افزایش دانش و آگاهی ملل از یک سو و تحوّل و فروپاشی نظام‌های سنتی از سوی دیگر، محصول انقلاب اطلاعات و تأثیرات تکنولوژی اطلاعات بوده است که سکوی قدرت‌گیری ملت‌ها در برابر دولتها از دهه پایانی ۱۹۹۰ تاکنون به حساب می‌آید.

از سوی دیگر، انقلاب اطلاعات اقتصاد جهانی را با تحوّل روبرو ساخته، مؤسسات سیاسی و تجاری ملی را متحوّل کرده و اهداف ملی در زمینه سیاست خارجی و شیوه‌های دستیابی به آنها را تغییر داده است.^{۳۰}

تکنولوژی جدید اطلاعات حاکمیت‌هایی را که شدیداً وابسته به اعمال کنترل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر مردم خویش هستند با تهدید جدی مواجه می‌سازد. رژیم‌های توتالیتر دیگر نمی‌توانند بواسطه کنترل روزنامه‌ها، رادیو و ایستگاه‌های تلویزیونی به یک محیط امن دست یابند چرا که شبکه گسترده جهانی (www) فراتر از کنترل و دستگیری ایشان قرار می‌گیرد.^{۳۱}

تکنولوژی اطلاعات مفهوم حاکمیت را در سه زمینه مورد چالش جدی قرار می‌دهد. نخست، یکپارچگی سرزمینی حاکمیت را به چالش می‌کشاند. اندیشه فضای مجازی (Cyberspace) با تقسیم سرزمینی جهان امروز مطابقت ندارد. به عبارت دیگر، وجود کشورهای مختلف را نمی‌پذیرد. فضای مجازی این ادعای دولتها را که قادرند روابطی قطعی و محکم بین شهروند و سرزمین ایجاد کنند مورد چالش جدی قرار می‌دهد. تهدید این پیوند و ارتباط شهروند-سرزمین دیگر نه از سوی دول دیگر آنچنان که در تاریخ مشاهده کرده‌ایم بلکه از سوی فضای مجازی است. دوم، دولت‌های ملی از توانایی محدودی برای کنترل مبادلات اقتصادی که با تکنولوژی اطلاعات و تجهیزات و سرویس‌های آن پیوند دارد، برخوردارند. طبیعت غیرفیزیکی تکنولوژی اطلاعات و تجهیزات و سرویس‌های آن، این مشکل را به وجود خواهد آورد که محدودیت‌های گمرکی، تعرفه‌ها، مالیات‌ها و رژیم‌های کنترلی دیگر اعمال‌پذیر نخواهد بود. سوم، توسعه تکنولوژی اطلاعات بسیار غیرمتمرکز و بر اختراع و ابتکار استوار است. اگرچه دولت کارویژه مهمی در تأمین زیرساخت‌های مناسب برای توسعه تکنولوژی اطلاعات دارد اما کارویژه‌ای محدود در هدایت آن به عهده خواهد داشت. دولت در تأمین برخی فاکتورها و اجزای لازم برای توسعه تکنولوژی اطلاعات نقش دارد اما به تنهایی قادر نخواهد بود که به تأمین هر چه که مورد نیاز است، بپردازد.^{۳۲}

گسترش و رشد تکنولوژی اطلاعات موجب آن می‌شود که روابط بین شهروند و دولت بسیار

○ مایکل اونیل:

انقلاب اطلاعات فروپاشی نظم‌های کهن را تسریع کرده، سرعت دگرگونی اجتماعی و سیاسی را دوچندان ساخته، توده‌هایی آگاه و از لحاظ سیاسی فعال آفریده و به دلیل آشکار ساختن اختلافات موجود میان مردمان و ملت‌ها، محرک برخورد و ستیز گردیده است.

○ تکنولوژی جدید
اطلاعات، حاکمیت‌هایی
را که شدیداً وابسته به اعمال
کنترل سیاسی، اقتصادی و
فرهنگی بر مردم خویش
هستند با تهدید جدی
روبرو می‌سازد. رژیم‌های
توتالیتر دیگر نمی‌توانند به
واسطه کنترل روزنامه‌ها و
ایستگاه‌های رادیو و
تلویزیونی محیطی امن
برای خود فراهم سازند.

دگرگون شود چرا که دستور کار حکومتها در سطح ملی و بین‌المللی هر چه بیشتر توسط رسانه‌ها تعیین می‌شود. بدین معنا که سیاستمداران ناچارند هر روز بخش عمده‌ای از وقت خویش را صرف مقابله با بحرانهای واقعی یا کاذبی نمایند که توسط وسایل ارتباطی به‌وجود آمده است.^{۳۳}

همانطور که پیشتر اشاره شد فضای مجازی مولود تکنولوژی اطلاعات، حاکمیت دولتها را با مشکل مواجه ساخته است. برای نمونه، دولتها در مورد انتشار روزنامه‌های گروه‌های مخالف، دیگر نمی‌توانند با توقیف روزنامه بحران را مهار کنند چرا که روزنامه‌ها به شیوه توزیع بدون کاغذ (paperless) و به کمک شبکه اینترنت در اختیار مردم قرار خواهد گرفت. مشاهده تأثیر این عدم کنترل در کشور مالزی در جریان اختلاف بین انور ابراهیم و ماهاتیر محمد در سالهای اخیر ما را به فهم تأثیر اینترنت و تکنولوژی اطلاعات در جهت محدودسازی حاکمیت دولتها یاری خواهد کرد. در کشور مالزی در جریان اختلاف انور ابراهیم معاون نخست‌وزیر با ماهاتیر محمد، ۵۰ سایت به طرفداری از انور ابراهیم به راه افتاد و در جهت حمایت از انور و آرمانهای او و محکومیت دولت ماهاتیر محمد فعالیت گسترده‌ای کردند. در ماههای اولیه دستگیری انور، از طریق این سایت‌های طرفدار، نامه‌های او از زندان، اخبار تظاهرات داخلی مالزی در حمایت از انور، گزارشهای خارجی در محکوم کردن اقدام دولت و... انتشار یافت.^{۳۴}

امروزه قدرت تکنولوژی اطلاعات چنان مؤثر و چشمگیر است که برخی از کشورها تعرفه‌های بالایی برای واردات تجهیزات و کامپیوترهای ارتباطی وضع می‌کنند. کشور چین در این زمینه اقدامات گسترده‌ای برای کنترل اینترنت انجام داده است. اما به زعم مفسران این اقدامات نتوانسته است خواسته دولت پکن را برآورده سازد. در سال ۱۹۹۶ مجموع کاربرهای اینترنت در این کشور ۴۰ هزار نفر بود، در حالی که در سال ۱۹۹۹ به ۱۲/۳ میلیون نفر افزایش یافت. در چین انحصار مالکیت وسایل ارتباطی اینترنت و تأمین کنندگان

آن در دست دولت است و چنانچه فرد حقوقی یا حقیقی بخواهد از این تسهیلات استفاده کند، باید از سوی دولت مجوز داشته باشد و در ضمن باید روند طاقت‌فرسایی را برای تحصیل آن بگذراند. این مراحل شامل ثبت اطلاعات فردی خویش، متعهد شدن به عدم تحصیل اطلاعات تهدیدکننده ملی و امنیتی است (حتی در برخی موارد از کاربر خواسته می‌شود که با حضور مأمور پلیس جستجوی اینترنتی صورت گیرد). در دسامبر ۱۹۹۷ محدودیت‌های دیگری از سوی دولت جیانگ‌زمن برای استفاده از اینترنت وضع شد. این محدودیت‌ها شامل منع دسترسی به سایت‌های خلاف عفت عمومی، تحریک کننده برای براندازی نظام، تحریک کننده تقسیم و تجزیه کشور، مضر به وحدت ملی و تخریب کننده ارگانهای دولتی می‌شد.^{۳۵} البته همانطور که اشاره شد به دلیل طبیعت فضای مجازی زاده تکنولوژی اطلاعات، کنترل‌های دولت‌ها بسیار ناقص خواهد بود. چنان که در مورد چین، از هزاران پراکسی سرور (Proxy servers) برای باز نمودن سایت‌های مورد نظر مانند (www.proxy mate.com) یا بهره‌گیری از سرویسهای تعیین کننده مسیر (Routing Services) مانند (www.anonymiz.com) استفاده گردید.^{۳۶}

دولت چین حتی برخی اقدامات جدی در خصوص برخی اخلال‌گران کامپیوتری (Hacker) انجام داد. اما به عقیده مفسرین و کارشناسان این اقدامات نمی‌توانست اهرم کنترل در این فضای مجازی باشد. برای نمونه، در سال ۱۹۹۸ یک تاجر چینی به نام لین های به جرم تدارک ۳۰ هزار پست الکترونیکی (e-mail) برای مخالفین به دولت به ۲ سال حبس محکوم و در اقدامی دیگر ۲ قفل شکن (Kacker) به جهت اخلال در سیستم کامپیوتری بانک مرکزی چین به اعدام محکوم شدند.^{۳۷}

از دیگر ابعاد تأثیر تکنولوژی اطلاعات بر حاکمیت دولتها، می‌توان به حق پیگیری منافع ملی از طریق مبادرت ورزیدن به جنگ که یکی از امتیازات دولتها مستقل است، اشاره کرد.

حال بانکداران مزبور، با تعداد بسیار کمی از افراد سروکار داشتند و صدای آنها چندان در آن سوی محدوده شهر شنیده نمی‌شد. امروزه تکنولوژی اطلاعات، قضاوت بازار در مورد ارزش پولها را در عرض چند دقیقه به تمامی بخشهای جهان انتقال می‌دهد.^{۲۰}

ظهور دنیای مجازی تکنولوژی اطلاعات و چالش آن با ساختار اقتصادی حاکم در برخی مواقع ضایعات سختی به بار آورده است که نمونه آن اقدام اخلاک‌گرا اینترنتی در مورد سیستم کامپیوتری بانک مرکزی چین است. اما آنچه مسلم است رشد مبادلات اقتصادی در این فضای مجازی، تحدید حاکمیت و کنترل دولت‌ها را بیش از پیش خواهد ساخت. در سال ۱۹۹۹ حجم مبادلات الکترونیکی اقتصادی ایالات متحده ۸ میلیارد دلار اعلام شد و در ضمن گفته شد که این رقم در سال ۲۰۰۳ به ۱۰۸ میلیارد دلار خواهد رسید.^{۲۱} رشد حجم و اهمیت این گونه مبادلات اقتصادی (تجارت الکترونیک) به قدری جدی است که در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۹ یک گروه نفوذ (لابی) برای جلوگیری از وضع مالیات یا اقدامات دیگری از سوی دولت‌ها که در جهت مخالفت با تجارت الکترونیک باشد تشکیل گردید. اعضای این گروه عبارت بودند از شرکت‌های آی‌بی‌ام (IBM) و تایم ولرنر (Timewarner)، بانک توکیو، شرکت‌های میتسوبیشی، فوجی تسو (Fujitsu)، نک (NEC)، نوکیا، تله کام فرانسه، برتلزمان (Bertelsmann) و مارکز و اسپنسر. این گروه در حقیقت نماینده تجارت در عرصه‌های تکنولوژی، رسانه و مالیه است که سیاستهای خود را به حکومتها و دولت‌ها پیشنهاد می‌دهد و طبیعتاً در صدد تعمیم این سیاستها در کل جهان است.^{۲۲}

از جمله دیگر تغییرات شگرف در عرصه تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت دولت‌ها، تأثیر این تکنولوژی بر سیاست خارجی دولت‌هاست. «توانایی فزاینده دولت‌های برخوردار از حاکمیت در زمینه تنظیم امور خویش در عصر اطلاعات، پیامدهای عمیقی در عرصه سیاست خارجی پدید خواهد آورد. همین چندی پیش يك شرکت

مبادرت ورزیدن به جنگ از عهد باستان حق مسلم دولتها شناخته شد. ولی این جنبه از حاکمیت امروزه شدیداً در محاصره پیامدهای انقلاب اطلاعات قرار گرفته است.^{۲۳}

افشاگری صحنه‌های جنگ از طریق وسایل ارتباط جمعی و بویژه اینترنت می‌تواند چهره ناخوشایندی از دولت‌ها ترسیم کند و لذا اقدام به جنگ همیشه با محاسبات و پیش‌بینی محتاطانه همراه شده است.

در همین جامی توان به آغاز جنگ‌های مجازی و دوران جنگ‌های اینترنتی و در قالب شبکه گسترده جهانی اطلاعات اشاره کرد. برای نمونه، در سال ۱۹۹۹ در بحران کوزوو، صرب‌های بوسنی اقدام به راه‌اندازی يك سایت با نام (<http://www.bosnet.org/>) نمودند که تأثیر آن از جنگ کلاسیک بیشتر بود. ارتش آزادیبخش کوزوو (KLA) نیز در مقابل، اقدام مشابهی انجام داد و بدین ترتیب جنگی متساوت با جنگ‌های کلاسیک در فضای مجازی شکل گرفت.^{۲۴}

از دیگر عوامل تحدیدکننده حاکمیت دولت‌ها، توانایی محدود دولتها برای کنترل مبادلات اقتصادی در دنیای مجازی است که از آن به e-business یا e-commerce یاد می‌کنند. اقتصاد در دنیای مجازی بسیار متفاوت با اقتصاد کلاسیک است. سرعت این نوع مبادلات ۹ برابر بیشتر از سرعت مبادلات عادی دولتها با یکدیگر است. پدید آمدن شرایط جدید اقتصادی بواسطه تکوین دنیای مجازی و در اختیار گرفتن این صنعت توسط عوامل اقتصادی و بازار، دولت‌ها را با محدودیت جدی مواجه ساخته است. امروزه صحبت از پول الکترونیکی (e-cash) به جای پول کاغذی و اعتبار لازم آن، کنترل اقتصادی دولت‌ها را در برابر این عوامل جدید کاهش داده است.

توانایی دولتهای ملی برای انتشار پول و نظارت بر ارزش پول از جنبه‌های حاکمیت دولتهاست. در گذشته پول همیشه همان ارزش را نداشته که شاهان مدعی بوده‌اند. در قرن ۱۷، بانکداران آمستردام، بواسطه سنجش وزن سکه‌ها و اعلام ارزش فلزی واقعی آن شهرت بدی برای خود به هم زدند. با این

○ دولتهای ملی از توانایی محدودی برای کنترل مبادلات اقتصادی که با تکنولوژی اطلاعات و تجهیزات و سرویس‌های آن پیوند دارد برخوردارند.

به عنوان عظیم ترین عنصر تکنولوژی اطلاعات توانست به سرعت جایگاه مهمی بیابد. اینترنت حاکمیت دولتها را در مقوله‌ها و حوزه‌های متعدد به چالش کشید و حتی به دموکراتیک کردن برخی جوامع سرعت بخشید. کاهش کنترل دولتها بر شهروندان، کاهش میزان نفوذ دولتها و نفوذپذیرتر شدن حاکمیت‌ها، ناتوانی دولتها از تنظیم سیاست خارجی و اقتصادی و از دست دادن کنترل مؤسسات مالی و اقتصادی، ناتوانی از نظارت بر نظام پولی، عدم کنترل فعالیت‌های احزاب مخالف نمونه‌ای از این چالش است.

در پایان، این سخن بیل گیتس را مورد توجه قرار می‌دهم که نشان از تغییرات سریع تکنولوژی اطلاعات دارد.

«عده‌ای فکر می‌کنند اطلاعات اینترنت به رایگان در اختیار قرار خواهد گرفت... اگر چه سطح وسیعی از اطلاعات از عکس‌های «ناسا» گرفته تا بولتن‌های کاربران، مجانی در اختیار همه خواهد بود، اما اعتقاد دارم که جذابترین اطلاعات در جهت کسب سود و منفعت تولید خواهد شد.»^{۲۵}

یادداشت‌ها

۱. سعید میرزائی، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، تهران، دفتر مطالعات وزارت خارجه، ۱۳۷۲، ص ۹.

۲. همان، ص ۹.

3. Centry G. Philip, "Globalization and other stories, international Journal, Vol. Li, No4 (Autumn 1996), p. 617-620.

۴. زاگ هوتنزیگر، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه عباس آگاهی، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۵. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. آلبرین تافلر، جایجایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، ناشر مترجم، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۵. جهانگیر کریمی، شورای امنیت سازمان ملل و مداخله بشردوستانه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۵، ص ۷۵.

۶. اندرو وینسنت، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین

خصوصی، ابرقدرتی را مجبور کرد سیاست خویش را تغییر دهد. این واقعه هنگامی رخ داد که انحصار دولتی در زمینه عکسبرداری از فضا با پرتاب ماهواره فرانسوی اسپات (SPOT) که تحت مالکیت خصوصی است در فوریه ۱۹۸۶ شکسته شد. وقتی تصاویر فاجعه هسته‌ای چرنوبیل که اسپات تهیه کرده بود در صفحات اول روزنامه‌های جهان ظاهر شد، اتحاد شوروی ناچار گردید داستان خویش را تغییر دهد و تصدیق کند که حادثه ابعادی بسیار گسترده‌تر از آنچه در آغاز ادعا می‌کرده، داشته است.»^{۲۲}

دیپلماسی نیز به عنوان کانال و ابزاری برای رشد و حفظ بُعد خارجی حاکمیت به صورت مستقیم تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تغییراتی که مفهوم حاکمیت می‌پذیرد موجب آن می‌گردد که تقاضاهای جدیدی از دستگاه دیپلماسی طلب گردد. یکی از تناقضاتی که دیپلمات‌ها با آن مواجه می‌شوند و لازم است آن را حل کنند این است که در همان زمان که به حفظ حاکمیت دولت مبادرت می‌ورزند باید برای رشد مشارکت دولت در فرایند یکپارچگی منطقه‌ای و جهانی بکوشند و از برخی انحصارات خود در عرصه تکنولوژی اطلاعات همچون ارتباطات راه دور مرتبط با دنیای خارج، تبادل اطلاعات و حفظ نظم عمومی چشم‌پوشی کنند.»^{۲۳}

نتیجه‌گیری

تحولات دهه پایانی قرن بیستم (۱۹۹۰) و انقلاب اطلاعات موجب آن شد که فضای مجازی (Cyberspace) به عنوان یکی از پدیده‌های تأثیرگذار در صحنه اقتصادی، سیاسی نظام بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. در این راستا حاکمیت دولتها و کنترل و نفوذ ایشان بر شهروندان خویش بیش از همه مورد چالش قرار گرفت، به گونه‌ای که مفهوم حاکمیت از معنای سنتفالیایی خود فاصله گرفت و با عناصر و اجزای جدیدی تعریف گردید.

در این راستا اینترنت و شبکه جهانی اطلاعات

○ افشاگری صحنه‌های جنگ از طریق وسایل ارتباط جمعی و بویژه اینترنت می‌تواند چهره ناخوشایندی از دولتها ترسیم کند. مبادرت به جنگ به عنوان یک جنبه از حاکمیت، امروزه شدیداً در محاصره پیامدهای انقلاب اطلاعات قرار گرفته است.

○ سیاستمداران
ناچارند هر روز بخش
عمده‌ای از وقت خویش را
صرف مقابله با بحران‌های
واقعی یا کاذبی کنند که
توسط وسایل ارتباطی
به وجود آمده است.

است. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به: USAID Leland Initiative (1999)

24. World Bank (2000) **World Development Indicators**. (<http://www.worldbank.org/data/wdi/index.htm/>).

25. Net Wizards (june 2000) <http://www.isc.org/ds/www.2001/Report.html> (june 20 2000).

26. World Bank (1999). **Ibid**.

27. Ben Petrazzini, & Mugo Kibat (1999) "The internet in developing countries", **Communication of the ACM**, June. 421(6). p.31.

28. **Ibid**, p 95.

۲۹. طیب، پیشین، ص ۱۸۲.

۳۰. همان، صص ۱۸۲-۱۸۳.

31. DH Perrity, Jr. "The internet as a threat to sovereignty? Thoughts on the internet's role in the national and global governance," **Indiana Journal of Global Legal Studies**, 5 (2), 1998, p 431.

32. Jovan Kurbalija, "Diplomacy in the Age of Information Technology" in **innovation in Diplomatic Practice** Ed by Dan Melissen, St. Martin's Press, INC, 1999, p. 173-174.

۳۳. طیب پیشین، ص؟

34. Jason P. ABBOTT, **Democracy @ internet**, "asia? The Challenges to the Emancipatory Potential of the Net: Lessons from China and Malaysia". **Third World Quarterly**, Vol. 22, No. 1, pp. 104.

35. **Ibid**, pp. 102-103.

36. **Ibid**, p. 102.

37. **Ibid**, p. 106.

۳۸. طیب پیشین، ص ۱۸۴.

39. Linda Main, "The Global information infrastructure: empowerment or imperialism?" **Third World Quarterly**, Vol. 22, No.1, p.84.

۴۰. طیب، پیشین، ص ۱۹۰.

41. Abbott, **op. cit.** p. 110.

42. D.E Kalish, "Global companies form Group to curb government regulation of Internet?," **Naples Daily New**, 16 Januray 1999.

۴۳. طیب پیشین، ص ۱۸۶.

44. Kurbalija, **op. cit.** p. 174.

45. B. Gates, **The Road Ahead**, New York, Viking 1995, p 100.

۷. لوئیس ویلیام هلزی هال

۸. جوتوز. ت. همان منبع، ص ۵۹-۶۰.

۹. گرمی، پیشین، ص ۷۵.

10. Xingfang Wang and Ziyi Zeng. "on the Doctrine of state sovereignty in contemporary international Relations", **Foreign Affairs Journal**, No. 56. June 2001, p.23.

۱۱. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج اول، تیر ۱۳۷۰، ص ۱۹۳.

۱۲. منوچهر گنجی، سازمان ملل متحد (ج ۳)، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ اول، ۱۳۵۲، ص ۷۸۱.

13. Robert Jackson, "Sovereignty at the Millennium." **Political Studies**, Vol XLVII (1999), p. 423.

14. **Ibid**, p. 426.

15. **Ibid**, p. 427.

۱۶. علیرضا طیب، تکنولوژی اطلاعات (گردآوری و ترجمه). تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۹، ص ۱۳.

۱۷. همان، ص ۳۱.

۱۸. همان، صص ۲۳-۲۴.

19. The Library of babel; The Aleph.

۲۰. همان، صص ۲۳-۲۴.

21. Paul Wilkinson, **Newsweek**, February 27, 1995, p.40.

22. Lind Main, "The global information infrastructure: empowerment or imperialism?" **Third world Quarterly**, Vol. 22, No. 1, p.48.

۲۳. این پروژه یک طرح ۵ ساله ۱۵ میلیون دلاری است که توسط دولت آمریکا برای توسعه اتصال کشورهای آفریقایی به اینترنت تخصیص یافته است. هر کشور آفریقایی که متقاضی بهره‌گیری از این مساعدت مالی باشد، ابتدا باید اجازه جریان آزاد اطلاعات و توزیع سروس اینترنت توسط تأمین کنندگان خصوصی (ISP) را در کشور خود بدهد. هر یک از این خدمات رسانان به عنوان یک قسمت از پروژه لاند بایستی ۲۰۰۰ دلار در ماه بپردازند، تا بتوانند از سروس اینترنت بهره‌گیرند. این در حالی است که این نرخ برای دولت ۱۲۰۰۰ دلار در ماه است. جان ماک مدیر تجاری وقت حوزه آفریقا و خاورمیانه وزارت امور خارجه آمریکا هدف از این طرح راه مساعدت بلکه تجارت دانسته است. در ضمن وی اضافه می‌کند که این ارتباط به عنوان یک نیروی قوی برای ایجاد دموکراسی